جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۴۶۱ | پنج‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ | ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۳:۰۳ |
غروب آفتاب: ۱۹:۲۵ | اذان مغرب: ۱۹:۴۳ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۰ | اذان صبح فردا: ۰۵:۱۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۱ |

دیده‌بان | نوید پارسا

سرباز هخامنشی در اختیار ایران قرار گرفت

رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت: سرباز - سردیس - هخامنشی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است و تلاش خواهیم کرد در روزهای آینده شرایط بازگشت آن را فراهم کنیم.

دوم مرداد امسال با حکم قاضی دادگاه عالی امریکا برای تکه‌ای از تخت‌جمشید که بخشی از کتیبه «سرباز هخامنشی» است، قرار بازگرداندنش به کشور مبدأ آن صادر شد؛ سنگ‌نگاره‌ای که ۸۰ سال قبل از ایران دزدیده شد و شش سال پیش هم از موزه هنر مونترال کانادا به سرقت رفت و در نهایت از یک حراجی در امریکا جان سالم به در برد تا اینکه آخرین شانس هم به سرباز هخامنشی رو کرد تا به کشورش برگردانده شود و اکنون بعد از گذشت حدود ۴۰ روز، علی اصغر مونسان معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با اعلام خبر بازگرداندن سردیس هخامنشی به جایگاه اصلی خود در تخت جمشید اعلام می‌کند: «این قطعه تاریخی مربوط به بالاتنه، سر سرباز هخامنشی و نیزه است که در سال ۱۹۳۶ از ایوان جنوبی کاخ «شورا» ربوده شده بود و در نهایت پاییز سال ۲۰۱۷ قرار بود که این اثر تاریخی در نمایشگاهی در نیویورک به نمایش گذاشته شود و پس از آن در حراجی عرضه شود.

مرادی کرمانی: من نخواستم روشنفکر باشم

«من نخواستم روشنفکر باشم، نشدم و نمی‌شوم» این حرف‌های هوشنگ مرادی کرمانی است؛ نویسنده محبوب چند نسل که در جشن تولد ۷۴سالگی‌اش بر زبان آورد.

نویسنده‌ای که خاص و عام با «قصه‌های مجید» می‌شناسندش در آستانه تولد ۷۴سالگی‌اش گفت: من نخواستم روشنفکر باشم یا نخواستم داستانی بنویسم که بگویند برای قشر ضعیف نوشته شده است. من در مورد آدم‌ها می‌نویسم و به قصه آنها می‌پردازم. قصه‌ام نیز پر از آدم‌های فقیر است. من روشنفکر و سیاسی نشدم و نمی‌شوم، زیرا من آدم چنین چیزی نیستم، البته تلاش کردم که بشوم اما نشد. بعد هم خدا را شکر کردم که نشدم. من روشنفکر نیستم. آدم ساده‌ای هستم. اگر بخواهم تعریفی از کار خودم بدهم باید بگویم من کسی هستم که مثل دوربین عکسبرداری، عکس‌هایی از زمانه خودم و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم، گرفته‌ام. این عکس‌ها را در تاریکخانه ذهن خودم بردم و ظاهرشان کردم. آنها را به مردم جامعه نشان می‌دهم و هر کس هر قضاوتی که می‌خواهد بکند. یکی از دلایلی که توانستم به طبقات مختلف بروم همین است.

واکنش «پائولو کوئیلو» به آتش‌سوزی موزه برزیل

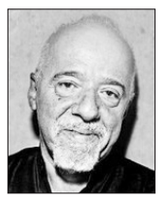

نویسنده معروف برزیلی در واکنش به آتش‌سوزی ویرانگر در موزه ملی برزیل، کوتاهی دولت این کشور را مقصر اصلی بروز این حادثه می‌داند.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «پائولو کوئیلو» در واکنش به تراژدی سوختن موزه ملی برزیل در مطلبی نوشت: موزه ملی برزیل تنها محل نگهداری تاریخ این کشور نبود بلکه خود ساختمان موزه نیز بخشی از این تاریخ بود. زمانی که جان ششم پرتغال پس از حمله ناپلئون به پرتغال به امریکای جنوبی فرار کرد، شهر ریودوژانیرو را به عنوان پایتخت حکومت پادشاهی متحد پرتغال، برزیل و الگاروه انتخاب کرد و کاخ رسمی پادشاه نیز کاخ «سنت کریستفور» بود که بعدها این ساختمان به موزه ملی برزیل تبدیل شد اما حالا به جای آنکه جشن ۲۰۰ سالگی موزه ملی را برپا کنیم، برزیل در ترس فرو رفته چراکه این موزه در آتش سوخته است. اگر این ساختمان نمادی از آغاز ملت برزیل بود، این آتش نمادی از کشوری است که نبود فرهنگ و آموزش مشکل بزرگ آن است.

لیلا حاتمی: در فضای مجازی نیستم

لیلا حاتمی تأکید کرد هیچ صفحه شخصی و فعالیتی در فضای مجازی ندارد.

این بازیگر به ایسنا گفت: هیچ صفحه، سایت و فعالیتی در فیس‌بوک، اینستاگرام و شکل‌های دیگر فضای مجازی ندارد و حق پیگیری قضایی اشخاصی را که با جعل نام او مشغول فعالیت در فضای مجازی هستند برای خود محفوظ می‌داند. اخیراً اظهاراتی از قول لیلا حاتمی در فضای مجازی منتشر شده است.

حکمت

حکمت ۶۴

اهل دنیا سوارانی در خواب مانده‌اند که آنان را می‌رانند.

نیم قرن از غروب نویسنده «غرب‌زدگی» گذشت

جلال بذر انقلاب می‌پاشید

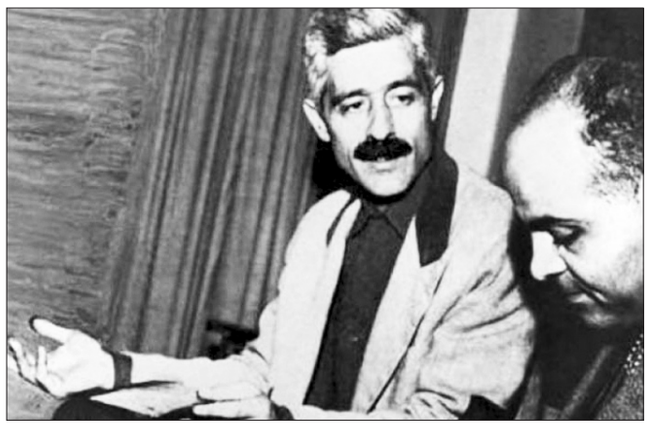

■ **محمدصادق عابدینی**

هجدهم شهریورماه سالگرد درگذشت جلال آل‌احمد نویسنده و متفکر بزرگ دوران معاصر است. جلال، مردی است که گفته می‌شود پس از دیدار با امام خمینی(ره) شیفته شخصیت وی شده و از زمان آغاز قیام ایشان در سال ۴۲، وی نیز به جرگه منتقدان سرسخت پهلوی تبدیل می‌شود. مبارزه فرهنگی جلال با دستگاه حاکمه باعث می‌شود که مرگ زودهنگام وی در ۴۶ سالگی در اذهان مردم به عنوان توطئه دستگاه امنیتی حکومت پهلوی قلمداد شود. جلال آل‌احمد، مردی است که در دوران تفاخر به زندگی غربی و فرنگی‌مآبی، کتاب «غرب‌زدگی» را در نقد شبه‌روشنفکران ایرانی نوشت و سنگ بنای مبارزه فرهنگی با پدیده غرب‌گرایی را گذاشت.

■ **جلال؛ نویسنده‌ای که از او تقلید می‌کردند**

شمس آل احمد، برادر کوچک‌تر جلال در کتاب «از چشم برادر» درباره جلال و قدرت قلم و نوع ادبیات این نویسنده، می‌گوید: آن چیزی که به طور قطع می‌توان درباره جلال گفت این است که جلال یکی از نویسندگانی است که حتی در دوره حیاتش این توفیق را داشت که مورد قبول و گاه مورد تقلید قرار بگیرد. کم اتفاق افتاده نویسنده یا شاعری در طول حیاتش آنچنان که «جلال» مورد اقبال واقع شده، مورد اقبال و تقلید واقع شود. من از موضع یک برادر و از موضع آدمی که نزدیک و دوستدار اوست، طبیعی است که آرزویم این باشد که «جلال» همواره نقش مؤثر و سازنده‌اش را در ادبیات ایران ایفا کند.

■ **ساواک چشم دیدن «غرب‌زدگی» را نداشت**

شاید مهم‌ترین اثر غیر داستانی جلال آل‌احمد، کتاب غرب‌زدگی باشد؛ کتابی که در نقد شبه‌روشنفکران غرب زده، نوشته است. جلال در غرب‌زدگی بی‌پروا به روشنفکران و غرب زدگی در کشور حمله کرد و همین موضوع خشم ساواک را به همراه داشت. اداره کل انتشارات و رادیو در نامه‌ای محرمانه و فوری در تاریخ ۲۲ مهرماه سال ۴۱ می‌نویسد: «در نخستین شماره کیهان ماه که زیر نظر آقای جلال آل‌احمد تنظیم می‌شود مقاله نامناسبی علیه مصالح ملی و مملکتی زیر عنوان «غرب‌زدگی» از نوشت‌جات همین شخص درج شده بود که همان وقت کمیسیون مطبوعات با انتشار آن مخالفت کرد و نسخ آن جمع آوری گردید. به قرار اطلاع نویسنده این مقاله اخیراً آن را به طور مخفیانه به صورت کتابی جداگانه چاپ کرده و درصدد انتشار آن برآمده است. مراتب جهت اطلاع به استحضار رسید تا در صورت موافقت مقرر فرمایید نویسنده این کتاب که به احتمال قریب به یقین خود ناشر آن نیز بوده است تحت تعقیب قرار گیرد.»

در گزارش ساواک به این بخش از «غرب‌زدگی» اشاره شده: «از شخص اول مملکت تا دیگران همه در فکر تقسیم املاکند و این کار را به دروغ کلید حل همه مشکلات جا زده‌اند.» مأمور ساواک در ادامه خواستار تعقیب جلال آل احمد و جلوگیری از انتشار کتاب شده است

چند روز بعد ۲۹ مهرماه، ساواک در گزارش خیلی محرمانه‌ای به انتشار کتاب «غرب زدگی» می‌پردازد و می‌نویسد: «اخیراً جلال آل احمد از همفکران خلیل ملکی رهبر حزب نیروی سوم مقاله مفصلی تحت عنوان «غرب‌زدگی» به رشته تحریر درآورده که چندی پیش خلاصه آن پس از حذف قسمت‌های موهن در کیهان ماه درج شده بود و به تازگی مقاله مذکور به صورت جزوه‌ای چاپ و منتشر گردیده... در این مقاله نویسنده ضمن اشاره به روابط ایران با جهان غرب از قدیم‌الایام تاکنون وضع فعلی کشور را سخت مورد انتقاد قرار داده و مقامات عالیه و مسئول کشور را صریحاً و تلویحاً آلت دست دول غرب و کمپانی‌های نفتی قلمداد و به اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و عدم وجود آزادی اجتماعات و بیان عقیده و حتی برنامه اصلاحات ارضی فعلی حملات شدیدی نموده.»

در گزارش ساواک به این بخش از کتاب اشاره شده که جلال نوشته است: «از شخص اول مملکت تا دیگران همه در فکر تقسیم املاکند و این کار را به دروغ کلید حل همه مشکلات جا زده اند.» مأمور ساواک در ادامه خواستار تحت تعقیب قرار گرفتن جلال آل احمد و جلوگیری از انتشار «غرب زدگی» شده است.

ساواک در آبان ماه همان سال درخواست می‌کند جلال آل احمد به دلیل اهانت به مقام شامخ سلطنت و اتهام دروغگویی به شاه، تحت تعقیب جزایی قرار گیرد.

در گزارش‌های متعدد ساواک درباره «غرب‌زدگی» می‌توان نگرانی از توزیع این کتاب و تاثیر آن را به خوبی مشاهده کرد.

■ **خاطره امام خمینی(ره) از جلال و کتاب «غرب‌زدگی»**

امام خمینی(ره) در سال ۵۸ و در ملاقات شمس‌آل احمد، خاطره‌ای از دیدار با جلال و مطالعه کتاب غرب‌زدگی را بیان می‌کنند. ایشان به شمس آل احمد می‌فرمایند: من با خانواده شما سابقه دارم و با مرحوم پدر شما آقا حاج سید احمدآقا، با مرحوم آسید محمد تقی، خدا رحمتش کند که در خدمت اسلام فوت شد، سوابقی دارم، منتها آقای جلال آل احمد را جز یک ربع ساعت بیشتر ندیده ام. در اوایل نهضت یک روز دیدم که آقایی در اتاق نشسته‌اند و کتاب ایشان «غرب‌زدگی» در جلوی من بود. ایشان به من گفتند «چطور این چرت و پرت‌ها پیش شما آمده است» یک همچون تعبیری و فهمیدم که ایشان هستند. مع‌الاسف دیگر او را ندیدم. خداوند ایشان را رحمت کند.»

■ **جلال نعمت بزرگی بود**

نظر مقام معظم رهبری درباره جلال آل احمد که در نشریه خط حزب الله منتشر شده است، به این شرح است: نهضت انقلابی از «فهمیدن» و «شناختن» شروع می‌شود. روشنفکر درست کسی است که در جامعه جاهلی، آگاهی‌های لازم را به مردم می‌دهد و آنان را به راهی نو می‌کشاند و اگر حرکتی در جامعه آغاز شده است؛ با طرح آن آگاهی ها، بدان عمق می‌بخشد. برای این کار، لازم است روشنفکر اولاً جامعه خود را بشناسد و ناآگاهی او را دقیقاً بداند. ثانیاً آن «راه نو» را درست بفهمد و بدان اعتقادی راسخ داشته باشد. ثالثاً خطر کند و از پیشامدها نهراسد. در این صورت است که می‌شود. العلماء ورثه الانبیاء. وجود چنین کسی برای یک ملت که به سوی انقلابی تمام عیار پیش می‌رود نعمت بزرگی است و آل احمد به راستی نعمت بزرگی بود.

■ **جلال و انقلاب اسلامی**

شمس آل احمد در گفت و گو با مجله «جوانان» در اولین ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در پاسخ به این سؤال که جلال در انقلاب نقش داشته؟ به کاشت بذر در خاک و رویش آن اشاره می‌کند و می‌گوید: جلال به نظر من یکی از افرادی بود که این بذر را، بذر طغیان و انقلاب را پاشید، قصدم این نیست که تنها از جلال نام ببرم چراکه از صدر انقلاب مشروطیت تاکنون، روحانیون و روشنفکرانی بودند که این بذر را پاشیدند. نمونه‌اش «میرزا کوچک خان» و تا این اواخر که گروه‌های مختلف سیاسی، در شهر و در جنگل بذر انقلاب را پاشیدند.

■ **وقتی جلال مُرد**

سیمین دانشور در کتاب غروب جلال، درباره مرگ این نویسنده می‌نویسد: زیبا مُرد، همانطور که زیبا زندگی کرده بود و شتابزده مُرد، عین فرو مردن یک چراغ و در میان مردم معمولی که دوستشان داشت و سنگشان را به سینه می‌زد... حالا می‌فهمم که چرا در این همه سال که با هم بودیم، آن همه شتاب داشت. می‌دانست که فرصت کوتاه است، پس شتاب داشت که بخواند و بیاموزد و لمس کند و تجربه کند و بسازد و ثبت کند.

نما | حسین کشتکار

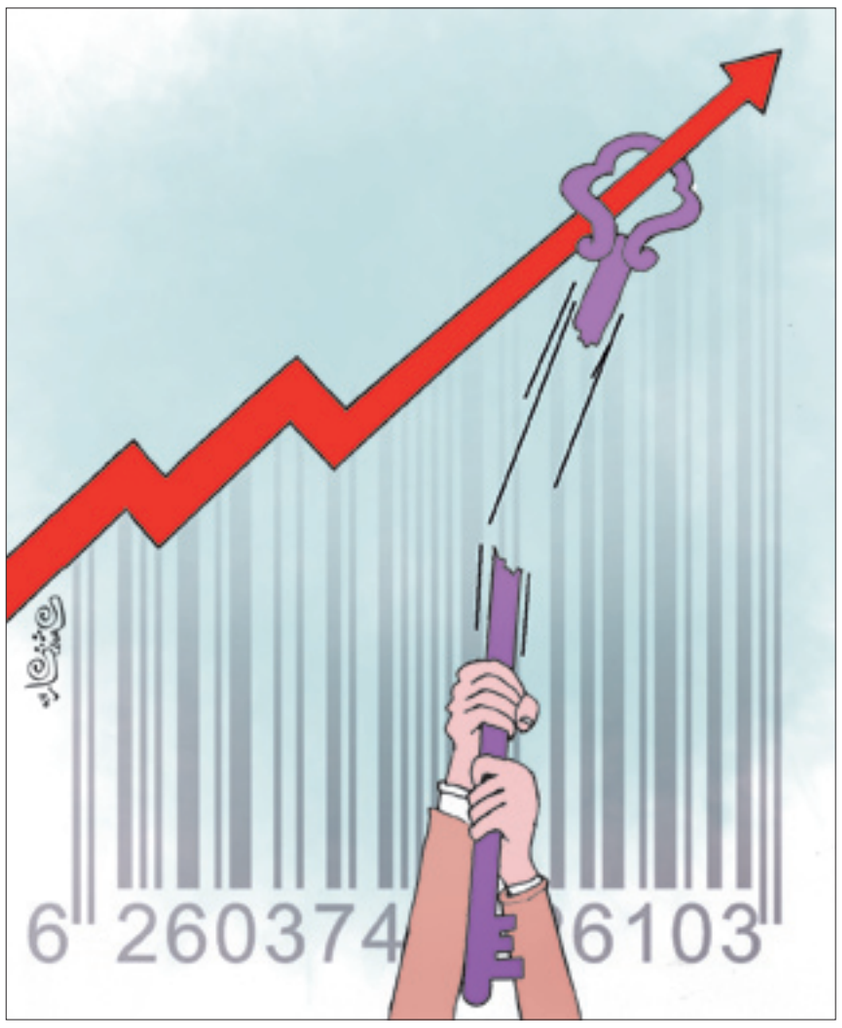

آنگاه که دیوارها فرو بریزد...

■ **محمدهادی کریمی***

«پشت دیوار سکوت» اگرچه درامی درباره بیماری ایدز معرفی می‌شود و در ظاهر نیز داستان از این قرار است، اما لایه زیرین فیلم حکایت دیگری است که تازه حلقه مفقوده‌ای را که پیگیران فیلم‌های پیشین جوزانی ممکن است سؤالاتی را در آن باب در ذهن خود پرورانده باشند، یافته و آشکار می‌سازد، آن سؤال این است: آعلی یار «شیر سنگی» چطور قهرمان شده است، او که قهرمان زاده نشده پس چه صیرورتی او را از یک فرد عادی به چنین قهرمانی بدل ساخته؟ مدیر «جاده‌های سرد» و قهرمانان «در مسیر تندباد» و حتی «دل و دشنه» نیز از این قاعده مستثنی نمی‌شوند.

حالا جوزانی با فیلم آخرش راز این صیرورت را می‌گوید، آن که نترسد می‌تواند پرواز کند، شرط اوج گرفتن غلبه بر ترس است و گام نخست در این مسیر تاباندن نور بر تاریکخانه وهم آدمی است که باعث ترس‌های مرضی بی‌شمار می‌شود، از این رو ایدز یک مصداق از مصادیق بی‌شمار برای ترسیدن است برای هراسی که جهل می‌آورد و انکار، می‌تواند هر مصداق دیگری باشد، شاید ویروس زگیل تناسلی (پاپیلوما) که سونامی خطرناکش این روزها تلخ‌تر و سهمگین‌تر از ایدز نباشد چراکه ممنوعیت‌های روزهای آغازین شیوع ایدز در ایران را دارد. پس باید به مفاهیم دقت کرد نه مصادیق و مفهوم فیلم فراتر از طرح همه این مصادیق است، «پشت دیوار سکوت» به ما می‌گوید، خطرناک‌تر از هر موضوع هولناکی، ترس از آن موضوع خاص است، خطرناک‌تر از ایدز ترس از آن است که چنانکه گفته شد جهل نسبت به این موضوع را می‌آورد و انکار و رفع مسئولیت و وسواس فکری مزاحم و ویرانگر، پس اولین راه پیروزی غلبه بر ترس‌ها به مدد مواجهه عریان با مشکلات و مخاطرات است و تا ترس باشد پروازی نخواهد بود، طرفه آنکه قرابت مضمونی و محتوایی و حتی فرمی «پشت دیوار سکوت» با این شعر استاد شفیعی کدکنی برایم شگفت آور است: به پایان رسیدیم اما نکردیم آغاز، فرو ریخت پرها نکردیم پرواز/ببخشای ای روشن عشق بر ما، ببخشای/ببخشای اگر صبح را به مهمانی کوچه دعوت نکردیم/ببخشای اگر روی پیراهن ما نشان عبور سحر نیست/ ببخشای ما را اگر از حضور فلق روی صنوبر خبر نیست / نسیمی گیاه سحرگاه را در کمندی فکنده ست/ و تا دشت بیدارش می‌کشاند/ و ما کمتر از آن نسیمیم/ در آن سوی دیوار بیمیم /ببخشای ای روشن عشق بر ما ببخشای/ به پایان رسیدیم اما/ نکردیم آغاز/ فرو ریخت پرها نکردیم پرواز...

بعد از پایان فیلم بی‌تردید پژواک این قطعه از شعر در ذهن مدام و بی‌پایان شکل می‌گیرد که: به پایان رسیدیم اما نکردیم آغاز/ فروریخت پرها نکردیم پرواز/ و ما کمتر از آن نسیمیم/ در آن سوی دیوار بیمیم

***فیلمنامه‌نویس و کارگردان سینما**

گردشگری

رئیس سازمان میراث فرهنگی مطرح کرد

اعلام رسمی تکذیب ماجرای گردشگران عرب در مشهد

رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با اشاره به برخی حواشی ایجاد شده درباره سفر اعراب به شهر زیارتی مشهد، گفت: «دادستانی به این موضوع ورود کرده و مطالب عنوان شده توسط آن فرد صحت نداشته ، البته هر زمانی که ورود گردشگر اعراب به کشور گسترش یافته است، چنین موضوعات و حواشی‌ای توسط برخی افراد ایجاد شده است.» مونسان تأکید کرد: «با مدیران کل خراسان و مازندران تماس‌هایی داشته‌ام و تأکید شده که در حوزه گردشگری چنین مباحثی وجود نداشته و اگر در حوزه‌های لایه پشت شهرها چنین مباحثی مطرح است باید توسط ارگان‌های دیگری همانند نیروی انتظامی به این موضوع ورود شود.»

بال و پر گرفتن شبکه نمایش خانگی نظم سینما را به هم می‌زند

■ **نوید پارسا**

یک تهیه کننده سینما به تحلیل و بررسی تولید و پخش زیاد آثار نمایش خانگی طی چند سال اخیر پرداخت و آن را برای سینما خطر بزرگی دانست.

عبدالله علیخانی درباره تولید و پخش زیاد آثار نمایش خانگی طی چند سال اخیر و عواقب و تاثیرش روی روند کاری سینما، به خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان گفت: کلیت این حرکت به سینما ضرر بدی وارد می‌کند. یکی از علت‌های آن بی‌همتی صاحبان سینماست که باید به ارشاد فشار بیاورند، اما انگار بی‌خیال شده‌اند. وی افزود: دومین علت تهیه کنندگانی هستند که به هنرپیشه‌ها برای بازی در آثار نمایش خانگی دستمزدهای هنگفت می‌دهند و این به سینما هم رسیده و باعث بروز مشکلات عدیده در تولید شده است؛ پول‌هایی که مشخص نیست از کجا، برای چه و با چه هدفی ورود پیدا می‌کنند.

این تهیه کننده اذعان داشت: این نوع بال‌وپر گرفتن شبکه نمایش خانگی باعث به هم خوردن نظم سینما شده و به نوعی بخش خصوصی را تعطیل کرده است. علیخانی بیان کرد: به نظرم وزارت فرهنگ و ارشاد باید با قاطعیت ورود کند و نظارت محکم‌تری داشته باشد تا هر کس صبح از خواب بیدار می‌شود، سراغ تولید آثار نمایش خانگی نرود؛ افرادی که اصلا به برگشت پول فکر نمی‌کنند و برای آنها مهم نیست. وی اظهار کرد: اتفاق بد و مهم دیگر طرد شدن تماشاچی از سینما و سوق پیدا کردن به سوی خرید نسخه‌های نمایش خانگی است که علت آن دسترسی ارزان و راحت خواهد بود. علیخانی گفت: به نظرم پول‌های بی‌هدف و گنده‌ای که صرف تولید در بخش نمایش خانگی می‌شود، جز جریان پولشویی اتفاق دیگری نمی‌تواند باشد و قطعاً با هدفی خاص پیش می‌رود. در کل انگار کمر به همت نابودی سینما بسته شده به خصوص بخش خصوصی که همین الان هم چیزی از آن باقی نمانده است، البته تعدادی هم که در بخش خصوصی صدایشان درنمی‌آید، منافعی دارند، وگرنه هیچ منطقی پذیرای اثرات منفی رونق بیش از حد نمایش خانگی نیست.

وی عنوان کرد: باید بدانیم دنیا هم شبکه نمایش خانگی دارد، اما اینقدر بی در و پیکر نیست، به عنوان مثال در بخش قیمت گذاری اگر قیمت بلیت سینما پنج دلار باشد، قیمت هر دی‌وی‌دی ۳۰ دلار است و این یعنی حفظ سینما و فعالیت برنامه‌ریزی‌شده شبکه نمایش خانگی. علیخانی خاطرنشان کرد: امیدوارم وزارت ارشاد با قاطعیت وارد عمل شود و این مشکل بزرگ را با برنامه‌ریزی صحیح حل کند. به گزارش «جوان» در حالی که سریال‌سازی در غرب و بسیاری از کشورهای دیگر به عنوان رویکردی جدی مورد توجه قرار گرفته اما در ایران این مسئله در بخش شبکه نمایش خانگی به ابتذال گراییده است.

دریچه | فرزین ماندگار

واکنش یک منتقد به جنجال «من و سانسورچی»

منتقد و نویسنده سینمایی به جنجال برخی سینماگران با عنوان من و سانسورچی در فضای مجازی واکنش نشان داد.

پوریا ذوالفقاری در اینستاگرام نوشت: «دیالوگ معروف حجت را در جدایی نادر از سیمین به یاد داریم؛ «بچه‌های شما بچه‌ان؟ بچه‌های ما توله‌ی سگن؟» حالا با راه افتادن به اصطلاح کارزار «من و سانسورچی» باید به شکلی معکوس از دوستان افشاگر پرسید سانسورهای صدا و سیما سانسور است و سانسورهای شوراهای پروانه ساخت و نمایش ارشاد دمیدن روح زندگی به کالبد آثار؟ چون خرمان از پل تلویزیون گذشته، به سخره‌اش بگیریم و به روی‌مان نیاوریم که این رسانه با عملکرد ضعیفش زمانی قرق ما بود و سکوی پرتاب‌مان شد از گمنامی به دنیای شهرت و ثروت؟ در مقابل کارمان فعلاً در سینما و شبکه خانگی گیر ارشاد است و عقل حکم می‌کند در این باره چیزی نگوییم. شترسواری دولا دولا نمی‌شود و ژست آزادی‌خواهی و افشاگری با ملاحظه کاری جور در نمی‌آید.»

این منتقد سینمایی در ادامه می‌نویسد: «اینکه بدون ساختن مترسک و حمله به آن نتوانیم هویتی برای خود بسازیم، اینکه به جای کنش، آدم واکنش باشیم، نشان بی‌مایگی است. مثل آن فیلمسازی که چهار سال است به اروپا رفته ولی اگر یک روز درباره رهایی از سانسور و تصمیمش برای تن ندادن دوباره به محدودیت‌های فیلمسازی در این دیار سخن نگوید، انگار خوابش نمی‌برد. باشد آقا. دمت گرم. فهمیدیم مخالف سانسوری. بساز ببینیم چه می‌سازی که اینجا امکان ساختش را نداشتی. بساز ببینیم در فضایی که بازی‌های رسانه‌ای و سر و صداهای هر روزه به اندازه اینجا خریدار ندارد و تمرکز رسانه‌ها روی ساخته‌ات خواهد بود، چه جایگاهی می‌یابی. واقعاً لازم نیست هر روز علیه ارشاد بنویسی. چهار سال است که در انقیادش نیستی. شاهکارت را رو کن. منتظریم.»

مسئول کمیته نمایشگاه تخصصی جشنواره ملی اسباب‌بازی:

جشنواره اسباب‌بازی محصولات خارجی ندارد

■ **علی موحد**

مسئول کمیته نمایشگاه تخصصی جشنواره ملی اسباب‌بازی می‌گوید: برای نمایش دستاوردهای تولیدکنندگان ایرانی، محصولات خارجی و وارداتی را در جشنواره حذف کردیم.

محسن رجبی، مسئول کمیته نمایشگاه تخصصی جشنواره ملی اسباب‌بازی و عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی ایران با اشاره به شرایط خاص اقتصادی این روزهای کشورمان به مهر گفت: شرایط خاص اقتصادی این روزهای کشور و توجه به تولیدکنندگان ایرانی و تشویق مصرف‌کنندگان به استفاده از تولیدات و محصولات ایرانی، مسئولیت برگزارکنندگان چهارمین جشنواره ملی اسباب‌بازی و مخصوصاً بخش نمایشگاه تخصصی این رویداد را حساس‌تر کرده است. وی ادامه داد: با توجه به حساسیت شرایط موجود، تلاش می‌کنیم تا با رویکرد توجه به محصولات ایرانی، نمایشگاهی از همه جهات متفاوت و البته با کیفیت نسبت به دوره‌های گذشته برای معرفی دستاوردهای صنعت اسباب‌بازی ایران داشته باشیم.

مسئول کمیته نمایشگاه تخصصی جشنواره اسباب‌بازی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای برگزاری نمایشگاه تخصصی در جشنواره اسباب‌بازی، تصریح کرد: قرار است در این نمایشگاه فقط محصولات تولیدکنندگان ایرانی حضور داشته باشد، به همین منظور با همکاری انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی در حال هماهنگی اولیه جهت حضور حداکثری تولیدکنندگان ایرانی در این نمایشگاه هستیم. همچنین در نمایشگاه امسال تولیدکنندگان اسباب‌بازی‌ها، سرگرمی‌های علمی و آموزشی، بازی‌های فکری و ابزارهای آموزشی، عروسک‌ها و سایر محصولات مرتبط حضور داشته باشند. وی افزود: طبق برنامه‌ریزی‌های اولیه، تصمیماتی گرفته شده که حداکثر حمایت از تولیدکنندگان ایرانی از سوی دبیرخانه جشنواره، نهادها و سازمان‌های مربوطه صورت بگیرد. همچنین برای سهولت و آرامش تولیدکنندگان در این نمایشگاه تلاش می‌کنیم که شرایط خوبی را برای حضور این بخش تاثیرگذار در صنعت اسباب‌بازی ایجاد کنیم.

به گفته رجبی، نمایشگاه از دو نظر کاملاً تخصصی اجرا خواهد شد، ابتدا شرکت‌کنندگان و غرفه‌داران هستند که برای اولین بار فقط از تولیدکنندگان داخلی که عضو انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی هستند دعوت می‌شود تا در نمایشگاه حضور داشته باشند که این به نوبه خود یک تحول و نگاه متفاوت در برگزاری نمایشگاه‌های اسباب‌بازی در ایران است، زیرا معمولا نمایشگاه‌های اسباب‌بازی با حضور پخش‌کنندگان و فروشندگان اسباب‌بازی که بخش زیادی از محصولات‌شان خارجی و وارداتی هستند، برگزار می‌شود.